



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ خرداد ۱۴۰۲

موضوع کلی: احکام قطع

موضوع جزئی: تجری - مباحث اصلی تجری - مقام اول: تجری - مسئله دوم: حرمت شرعی تجری مصادف با: ۲ ذی القعدة ۱۴۴۴

ادامه بررسی دلیل هفتم - کلام محقق نایینی و بررسی آن - مسئله سوم: استحقاق عقاب در تجری -

کلام محقق خراسانی و اصفهانی - بررسی کلام محقق خراسانی و اصفهانی

جلسه: ۱۰۷

سال چهاردهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در مورد حرمت شرعی تجری، نه ادله عقلیه، نه اجماع، نه روایات هیچ کدام نمی‌تواند مدعا را اثبات کند. در مورد روایات هم گفتیم اگر دلالت دو دسته از روایات تمام باشد، کار به تعارض می‌کشد؛ یعنی چنانچه هم سند و دلالت روایات دال بر ترتب عقاب بر نیت و قصد حرام را بپذیریم و هم روایاتی که نفی می‌کند عقاب و عذاب را بر قصد بر حرام و کار به تعارض بکشد چاره چیست؟ راه‌های جمعی برای حل تعارض پیشنهاد شده که همگی مورد اشکال قرار گرفت زیرا این جمع‌ها همه تبرعی است.

کلام محقق نایینی

محقق نایینی فرمود اگر بین دو دسته روایات تعارض باشد و راهی برای جمع بین آنها وجود نداشته باشد هر دو ساقط می‌شوند و لذا باید رجوع به اصول کرد.^۱

بررسی

به نظر می‌رسد می‌توانیم سراغ یکی از مرجحات برویم. یکی از مرجحاتی که شاید اینجا بتواند مورد توجه قرار بگیرد آیات قرآن است. زیرا در برخی از آیات قرآن مسئله عدم عقاب و عذاب بر قصد و نیت مطرح شده است و اینکه انسانها به خاطر اعمال و افعالشان عذاب و عقاب می‌شوند یا پاداش می‌بینند. بنابراین می‌توانیم بگوییم آن دسته که نفی عقاب می‌کند چه بسا ترجیح داشته باشد بر دسته دیگر آن هم به خاطر موافقت مضمون آنها با قرآن.

نتیجه بحث در مسئله دوم

نتیجه بحث ما در مسئله دوم این شد که حرمت شرعی تجری ثابت نمی‌شود.

مسئله سوم: استحقاق عقاب در تجری

صورت مسئله که جای طرح آن علم کلام است ولی در علم اصول نیز به آن پرداخته‌اند این است که آیا تجری مستلزم استحقاق عقاب است یا خیر؟ آیا اگر کسی به قصد مخالفت با دستور خداوند کاری را انجام بدهد و بعد معلوم شود که آن کار مخالف دستور خدا نبوده، مستحق عقاب است یا خیر؟

^۱ اجود التقریرات، ج ۲، ص ۳۶.

اینکه این مسئله کلامی است روشن است، بحث از استحقاق عقاب و ثواب یک بحث کلامی است. در بحث فقهی که مسئله دوم بود سخن در این بود که آیا تجری حرام است یا خیر؟ حرمت یا جواز یک بحث فقهی است اما اینکه تجری استحقاق عقاب را به دنبال داشته باشد یک بحث کلامی است.

اگر در مسئله قبل ثابت می شد که تجری شرعاً حرام است اینجا تکلیف روشن بود که اگر کسی کار حرام بکند مستحق عقاب است، همانطور که اگر کسی مطابق دستور و امر خدا عمل کند مستحق پاداش است. با پذیرش حرمت شرعی تجری دیگر جایی برای بحث از استحقاق عقاب نیست، زیرا کاملاً وضعش روشن است؛ اما اگر گفتیم تجری شرعاً حرام نیست، می خواهیم ببینیم آیا استحقاق عقوبت وجود دارد یا خیر؟ یعنی بدون اینکه حرام شده باشد، چه بسا به خاطر همان قبح فاعلی برای متجری استحقاق عقوبت ثابت شود، این استحقاق عقوبت ناشی از قبح فعلی نیست زیرا گفتیم قبح فعلی ندارد و شرعاً نیز حرام نیست. پس در فرض عدم حرمت شرعی تجری، بحث از استحقاق عقوبت متجری، می تواند به واسطه قبح فاعلی باشد یا ممکن است به ملاک دیگر باشد که آن را شرح می دهیم، مواردی که می تواند منشأ حکم عقل به استحقاق عقوبت شود را یک به یک بررسی می کنیم.

سوال:

استاد: نه عقاب فعلی ثابت نمی شود، بین استحقاق و عقوبت فعلی فرق است؛ یک کسی ممکن است استحقاق عقوبت پیدا کند اما تفضل خدا شاملش شود و عقاب نشود، فرق است بین استحقاق عقوبت و خود عقوبت.

کلام محقق خراسانی

عقل متجری را مستحق عقوبت می داند، دلیل ایشان این است که ملاکی که عاصی را مستحق عقوبت می داند در متجری نیز موجود است، عقل به همان ملاکی که در مورد معصیت حکم به استحقاق عقوبت می کند در مورد متجری نیز چنین حکمی را دارد. ملاکی که باعث شده عاصی مستحق عقوبت شود خروج از رسم عبودیت و هتک مولا و طغیان در برابر مولا است. ایشان می گوید از نظر وجدان و عقل کسی که در مقابل مولا طغیان و سرکشی داشته باشد مستحق عقوبت است، عین همین ملاک در متجری هم هست؛ چون تجری در واقع یک طغیان است، یک سرکشی در برابر مولا است، حال اینکه عملاً در خارج نتوانسته دستور مولا را زیرا پا بگذارد حرف دیگری است ولی او بنایش بر مخالفت بوده است، درست مقابل مولا ایستاده و این آب را به نیت شرب خمر و سرکشی در برابر مولا و زیر پا گذاشتن دستور مولا سر کشیده؛ پس این ملاک اینجا نیز وجود دارد. پس محقق خراسانی می فرماید تجری مستلزم استحقاق عقوبت است.

کلام محقق اصفهانی

محقق اصفهانی از شاگردان محقق خراسانی فرمایش محقق خراسانی را شرح داده و آن را با بیان خودش متقن فرموده و می گوید ما اگر معصیت را تجزیه و تحلیل کنیم می فهمیم ملاک استحقاق عقوبت نسبت به عاصی چیست؟ مثلاً کسی که جهل به یک حکمی دارد، نمی داند خوردن این مایع حرام است، یا نمی داند این مایع خمر است، یا جهل حکمی دارد یا جهل موضوعی و آن را مرتکب می شود، این مستحق عقاب نیست. اما آیا خمری که جاهل می خورد مشتمل بر مفسده ذاتی نیست؟ آنکه تغییر نمی کند، واقع که انقلاب پیدا نمی کند، خمر یک مفسده ذاتیه دارد که هر کسی آن را بنوشد این مفسده در آن است، یک مفسده واقعیه لازمه الاجتناب

که در چیزی وجود دارد با علم و جهل انسان تغییر نمی‌کند؛ پس این نمی‌تواند ملاک استحقاق عقوبت باشد، زیرا اگر این ملاک بود باید جاهل به حکم یا موضوع نیز مستحق عقاب می‌بود.

آیا ملاک استحقاق عقوبت تفویض غرض مولا است؟ می‌گویند این نیز نیست، زیرا اگر تفویض غرض مولا ملاک باشد، نباید فرقی بین جاهل و عالم باشد، مولا می‌خواهد این عمل تحقق پیدا نکند و در این جهت فرقی بین جاهل و عالم نیست.

خلاصه این ملاک‌هایی که گفته شد، نمی‌تواند استحقاق عقوبت برای عاصی را ثابت کند. زیرا اگر اینها ملاک باشد نباید فرقی بین علم و جهل به حکم یا موضوع باشد. پس همین که می‌بینیم بین اینها فرق است حاکی از این است که ملاک استحقاق عقوبت در عاصی یک امر دیگر است.

پس ملاک چیست؟ ایشان می‌گویند ملاک در اینکه معصیت، مستلزم عقوبت گناه کار است همان سرکشی و طغیان در برابر مولا است. همین که کسی در برابر خدا بخواهد طغیان و نافرمانی کند، گناه کار به همین دلیل مستحق عقوبت است و به همین دلیل جاهل مستحق عقوبت نیست زیرا او بنای سرکشی و طغیان ندارد؛ او اصلاً نمی‌داند که دستور از ناحیه مولا صادر شده است یا نمی‌داند این مورد بخصوص مشمول همان تحریم است، فکر می‌کند این آب است. پس این نشان می‌دهد که به طور کلی ملاک استحقاق عقوبت در معصیت عبارت است از طغیان و سرکشی نسبت به مولا و این ملاک در متجری نیز وجود دارد.

تجری هم در حقیقت یک نوع طغیان و سرکشی در برابر مولا است، پس همان ملاکی در مورد معصیت باعث می‌شود عقل حکم به استحقاق عقوبت کند، همان در تجری نیز باعث می‌شود عقل حکم به استحقاق عقوبت کند. اصلاً استحقاق عقوبت حکم عقل است و ربطی به شرع ندارد، عقل می‌بیند بنده با دستور مولا مخالفت کرده، می‌گوید تو که این کار را کردی مستحق عقاب هستی یا آنکه اطاعت می‌کند از نظر عقل مستحق پاداش است.^۱

البته اینجا انظار مختلفی بیان شده است و ما نمی‌خواهیم این بحث تطویل پیدا کند.

بررسی کلام محقق خراسانی و اصفهانی

اصل ادعای محقق خراسانی و شاگردشان این بود که ملاک استحقاق عقوبت در معصیت واقعیه عبارت است از طغیان و سرکشی در برابر مولا و این ملاک در تجری نیز وجود دارد. پس همانطور که معصیت باعث می‌شود عقل حکم به استحقاق عقوبت کند در مورد تجری نیز همین حکم را دارد. یعنی یک قیاس شکل اول:

عقل حکم به استحقاق عقوبت عاصی می‌کند به ملاک طغیان در برابر مولا.

این ملاک در تجری نیز وجود دارد.

پس عقل حکم به استحقاق عقوبت در مورد تجری می‌کند.

بینیم این دو مقدمه آیا واقعا قابل اثبات است؟ اگر این دو مقدمه اثبات شود استدلال تمام است.

مقدمه دوم: که تجری یک نوع طغیان در برابر مولا است بحثی ندارد. تجری یک نوع سرکشی در برابر مولا است، فعل بما هو فعل منهی عنه نیست، بلکه فاعل با اعتقاد به اینکه این منهی عنه است آن را مرتکب می‌شود. لذا گفتیم قبح فاعلی اینجا تحقق پیدا می‌کند و می‌شود یاغی و سرکش در برابر مولا؛ پس مقدمه دوم بحثی ندارد.

^۱ نه‌ایه الدراییه، ج ۳، ص ۲۹

مقدمه اول: که آیا ملاک حکم عقل به استحقاق عقوبت در معصیت واقعیه مسئله طغیان است یا خیر؟ اصل ادعای مستدل برای حکم عقل به استحقاق عقوبت همین یک جمله است که ملاک عقل برای استحقاق عقوبت متجری یک چیزی است که عینا در تجری و متجری نیز وجود دارد. پس همه نگاه باید متوجه شود به ملاک حکم عقل به استحقاق عقوبت در معصیت. باید همه حواسها به این سمت برود، اگر این را اینها بتوانند ثابت کنند استحقاق عقوبت وجود دارد. حال تمام اموری که به یک معنا مقدمه معصیت هستند و خود معصیت، یک به یک اینها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم تا ببینیم اینها می‌توانند باعث شوند که عقل به استحقاق عقوبت حکم کند یا خیر؟

بررسی احتمالات مختلف در ملاک استحقاق عقوبت در معصیت

از آغاز کار حرام و معصیت در نظر می‌گیریم. قبل از اینکه انسان معصیت کار بخواهد مرتکب معصیت شود، اراده آن را باید بکند، مثلا اراده کند که خدای نکرده زنا کند. پس از اراده شروع می‌شود. اراده چیست؟ اراده مبتنی بر یک مقدماتی است که انسان اول فعل را تصور بکند بعد تصدیق به فائده آن بکند بعد این باعث شوق در او بشود و این شوق آنقدر اکید شود تا اراده تحقق پیدا کند، آن شوق مؤکد که محرک عضلات برای انجام گناه است حاصل شود. پس تصور، تصدیق به فایده و شوق به آن و اراده و بعد هم صدور فعل. یک به یک اینها را بررسی کنیم.

احتمال اول

تصور: کسی که گناه می‌کند اول تصور آن گناه را می‌کند، یعنی اول در ذهنش می‌آید. آیا تصور گناه و معصیت می‌تواند ملاک استحقاق عقوبت باشد؟ یعنی آیا عقل به صرف اینکه کسی تصور گناه در ذهنش می‌کند او را مستحق عقوبت می‌داند؟ قطعا اینطور نیست. اگر قرار بود اینطور باشد که صرفا به خاطر این تصورات مردمان در عذاب می‌بودند و استحقاق عقاب داشتند. پس تصور گناه و معصیت نمی‌تواند ملاک حکم عقل به استحقاق عقوبت باشد.

احتمال دوم

تصدیق به فائده: آیا تصدیق به فائده فعل حرام می‌تواند باعث شود عقل معصیت را قبیح بداند و معصیت کار را مستحق عقاب؟ قطعا این چنین نیست؛ اینکه حالا کسی به منافع و فوائد معصیت ولو غیر واقعی یک گناهی فکر کند و بگوید این منفعته‌ها را دارد باعث نمی‌شود عقل او را مستحق عقاب بداند. تا زمانی که از انسان معصیت سر نزد از دید عقل استحقاق عقوبت ثابت نیست.

بحث جلسه آینده

گفتیم کسی که چیزی را و کاری را تصور می‌کند و بعد تصدیق به فایده آن می‌کند یک شوقی در درون او پدید می‌آید، رغبت پیدا می‌کند، اشتیاق پیدا می‌کند، اگر این شوق و رغبت و اشتیاق شدید شود اراده تحقق پیدا می‌کند. آیا اراده بر گناه می‌تواند ملاک حکم عقل به استحقاق عقوبت در مورد گناه کار و عاصی باشد؟ این نیز باید بررسی شود.

«والحمد لله رب العالمین»